



<http://doi.org/10.22133/isia.2022.321080.1006>

تبیین اصول نگرش به مکان در آثار تاریخی باستانی شهر دامغان

مطالعه پژوهی مسجد تاریخانه دامغان

علی مشهدی^۱

۱ استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۱/۱۰/۱	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۱/۴/۴	
واژگان کلیدی:	
مکان	
اصول نگرش به مکان	
آثار تاریخی	
مسجد تاریخانه دامغان	
*نویسنده مسئول	
رایانامه: ali.mashhadi@usc.ac.ir	
نحوه استناددهی:	
مشهدی، علی (۱۴۰۱). تبیین اصول نگرش به مکان در آثار تاریخی باستانی شهر دامغان؛ مطالعه پژوهی مسجد تاریخانه دامغان. مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران، (۱)، ۳۱-۴۱.	
ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ https://www.usc.ac.ir	

مقدمه

هنر معماری همواره مهم‌ترین و ارزشمندترین مظهر قدرت حکومت‌ها بوده است، چنان‌که می‌توان گفت یادگارهای معماری هر سرزمین اسنادی گرانبها و پرارزش است که نشان‌دهنده قرن‌ها تکامل و ذوق و اندیشه هنری مردم آن سرزمین است (صالحی کاخکی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۴). عموماً مساجد تاریخی در مرکز شهر و در رابطه مستقیم با بازار و مراکز اجتماعی جای داشته‌اند. مسجد قلب تپنده شهر و منعکس‌کننده شرایط اجتماعی شهر بوده است. نکته درخور توجه در مساجد، ارتباط بسیار قوی میان فضا و محیط است. مکانمندی یک مسجد در ازین‌بردن برخی مشکلات، مانند احساس تنهایی و غم و اندوه، بسیار مؤثر است (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۰)؛ زیرا مکان به فضایی اطلاق می‌شود که در آن انسان با محیط پیرامونش تعامل دارد. مکان نه تنها از طریق بستر فیزیکی، بلکه به وسیله گستره‌ای از فرایندهای اجتماعی - روان‌شناختی که در آن روی می‌دهد مشخص می‌شود و نه تنها درون مواضع فیزیکی تجسم می‌یابد، که سرشار از معانی نمادین و دل‌بستگی‌های عاطفی و احساساتی است که افراد درباره موضوعی خاص در ذهن دارند (Stedman, 2002, p.565). این در حالی است که بسیاری نگرش به مکان را نشئت‌گرفته از نحوه ارتباط بین شخص و محیط می‌دانند. پس شناخت مکان در لحظه حضور در آن صورت می‌گیرد که ساختار کالبدی با ویژگی‌هایش، تجارب ما از مکان و خاطرات و احساسات وابسته به مکان را زنده می‌کند و شناخت از مکان را ممکن می‌سازد. ویژگی‌های مکان که ما را به سوی درک هویت مکان رهنمون می‌سازد، به صورت سیما و چشم‌انداز، نظم فضایی، رویداد، خاطره، جهت‌گیری و یگانه‌پنداری قابل تفکیک است. اگر هر یک از این وجوه در مکان حضور نداشته باشد، وضوح و روشنی مکان برای شهود ناظر از میان خواهد رفت و معنایی از پس این مکان متبادر نخواهد شد. حال از آنجاکه ارتباط میان مکانیت مسجد و نوع ادراکات مخاطبانش از عناصر معماری موجود در کالبد مسجد موجب ایجاد نوع نگرش به مکانیت این فضاهای قدسی می‌شود، می‌توان با تبیین اصول نگرش به مکانیت چنین فضاهایی رخداده آن را بازیابی کرد. این امر همانی است که اصول نگرش به مکان در آثار باستانی و بافت‌های تاریخی هر کشوری بازنمایی می‌کند و بیان می‌دارد که این اصول وابسته به فرهنگ، هویت و تاریخ آن کشور همراه با ارتباط میان انسان و محیط است. از عمده‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون موضوع پژوهش حاضر می‌توان به پژوهش رلف (۱۹۷۶) در کتاب مکان و بی‌مکانی اشاره کرد؛ وی به‌طور مبسوط درباره پدیدارشناسی مکان در این کتاب صحبت کرده است. باشلار (۱۳۹۲) نیز در کتاب بوطیقا فضا به موضوعات محوری چون رابطه تخیل، خاطره و خانه پرداخته است. نگین تاجی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله خود با عنوان «تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرایند طراحی معماری با رویکرد پدیدارشناسی»، با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی دریافته‌اند که در مراحل اولیه فرایند طراحی (شناخت مسئله) از هر دو رویکرد پدیدارشناسی مکان می‌توان استفاده کرد. در این مرحله، به‌کارگیری روح مکان به‌عنوان راهنمای طراحی در فرایند طراحی هم امکان‌پذیر و هم الزامی است و از حس مکان می‌توان با مشارکت ذی‌نفعان برای ایجاد ظرفیت ارتباط مؤثر بین فرد و مکان در فرایند طراحی استفاده کرد. علاوه‌براین، برای آموختن از فرایند طراحی و همچنین بهبود ارتباط طرح با کاربر واقعی، می‌توان رویکرد شناخت‌شناسی پدیدارشناسی را به‌کار گرفت. در این حالت، میزان موفقیت طرح در آفرینش حس مکان پس از بهره‌برداری سنجیده می‌شود. علی‌الحسابی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله خود با عنوان «ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری تجربیات زیسته افراد)»، با استفاده از روش تحقیق کیفی و ابزار مصاحبه و پرسش‌نامه دریافته‌اند که تداوم یک پدیده منوط به حضور هم‌زمان دو کیفیت پویایی و ثبات در آن پدیده است. به عبارتی، ثبات در جایگاه و روابط بین اجزا و پویایی در خود اجزای پدیده موردنظر در ادراک تداوم واجد اهمیت است. به‌علاوه، در تداوم معنای مکان ثبات روابط بین اجزا و مؤلفه‌های مکان از اهمیت بیشتری نسبت به ثبات اجزای مکان برخوردارند. همچنین، تحلیل دقیق تجربیات زیسته نشان می‌دهد که در روابط بین اجزای مکان نیز رابطه دو جزء انسان و فضا واجد بیشترین اشاره‌های معنایی و ماندگاری ذهنی بوده است. سخاوت‌دوست و البرزی (۱۳۹۸)، در مقاله خود با عنوان «بازتاب نقش نشانه‌شناسی در فرایند گذر از فضا به مکان در مجموعه

(تاریخی سعدالسلطنه قزوین))، با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و تحلیل‌های آماری دریافتند که در مواجهه فرد با مکان و در فرایند برقراری ارتباط بین عینیت و ذهنیت، صورت و محتوای مکان به واسطه فرد، به مدد رویکرد نشانه‌شناسانه خوانشی، عمیق‌تر از برداشت و تعامل وی با محیط بر اساس ارتباط مکان با احساسات، تعلقات، تجارب و ذهنیت اوست. در همین راستا، سلیمی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله خود با عنوان «پدیدارشناسی مکان‌های مقدس با تکیه بر معماری ایرانی اسلامی (نمونه موردی مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان)»، با استفاده از روش تحقیق کیفی و رویکرد پدیدارشناسانه پالاسما دریافتند که تجربه بساوشی به واسطه دوره تاریخی، تزئینات، هندسه، پلان، عوامل طبیعی و مصنوعی، عوامل زیبایی‌شناختی، فضا، عملکرد و تمایز این مسجد را به فضایی برای حضور و مشاهده، تأمل و تعمق، وحدت و اتحاد بدل کرده است. ضمن آن‌که مهم‌ترین جنبه احساسی این مسجد سیر از ظاهر به باطن و اتحاد مثلثی عناصر کالبدی با نور و معانی است که موجب شکل‌گیری ارتباط عمیق درونی و دیالکتیکی بین مسجد و ناظر شده است. بر اساس مطالعات انجام‌شده و با توجه به رویدادهای مردم‌شناختی و زیبایی‌شناسی رخ داده در شهر دامغان و در میان آثار باستانی این شهر، مسجد تاریخانه دامغان که بنایی قدسی است و همه‌روزه زائران بسیاری را در خود جای می‌دهد و با توجه به مکانمندی و وجوه کالبدی‌اش بر احساسات و ادراکات مخاطبان‌ش تأثیر شگرفی می‌گذارد، به‌عنوان نمونه مورد پژوهش انتخاب شد. هدف از این پژوهش تبیین اصول نگرش به مکان در مسجد تاریخانه دامغان بر اساس عناصر کالبدی است و پژوهش بر این فرض استوار است که میان اصول نگرش مکان و بهبود مکانمندی مسجد تاریخانه دامغان، به واسطه عناصر کالبدی، ارتباطی مستقیم برقرار است. از این رو سؤالات پژوهش بدین شرح است: ۱. نگرش به مکان و مکانمندی در مسجد تاریخانه دامغان چگونه است؟ ۲. مهم‌ترین اصول نگرش به مکان در مسجد تاریخانه دامغان کدام است؟

مبانی نظری پژوهش

مکان

مفهوم مکان در علوم گوناگونی همچون معماری، طراحی شهری، جغرافیا و روان‌شناسی محیط بررسی شده است. تعاریف مختلفی درباره این مفهوم ارائه شده است که گاه بسیار مبهم و پیچیده‌اند. باین‌حال، آمدور و اپستاین چیپلایوچتک^۱ (2016, p. 152)، به‌طور کلی تعاریف مربوط به مکان را به دو دسته کلی تقسیم کرده‌اند: مکان به‌منزله یک موقعیت جغرافیایی، و مکان به‌منزله ظرفی برای انتقال معنا. دسته اول بیشتر به ابعاد کالبدی و فیزیکی مکان توجه دارند، درحالی‌که دسته دوم بیشتر معانی و مفاهیمی را که درون مکان است مورد توجه قرار می‌دهند و بر این اعتقادند که به واسطه وجود این معانی، مکان از یک موقعیت جغرافیایی صرف متمایز می‌شود (Tuan, 2010, p. 45). از این رو مکان «مظروف راکدی برای ویژگی‌های زیستی - فیزیکی نیست، بلکه پدیده‌ای حاصل از مجموعه‌ای از سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی است که ارزش‌ها و معانی ویژه‌ای را به آن نسبت می‌دهند» (Cheng & Daniels, 2016, p. 847).

- هویت مکانی

ادوارد رلف، در کتاب مکان و بی‌مکانی، سه بعد اصلی برای هویت مکانی قائل است. وی عنوان کرده است که «مشخصات کالبدی، فعالیت‌ها و معنی اجزای اصلی هویت مکانی را شکل می‌دهند. این تقسیم‌بندی به‌روشنی قابل‌درک است. برای مثال، شهر را می‌توان به‌صورت مجموعه‌ای از ساختمان‌ها و اجزای کالبدی درون آن دید، همان‌گونه که با یک تصویر هوایی به دیده می‌آید. بیننده‌ای که در این شهر حضور عینی داشته باشد می‌تواند از نزدیک فعالیت‌ها را در این زمینه فیزیکی مشاهده کند. ولی شخصی که این ساختمان‌ها و فعالیت‌ها را تجربه می‌کند، چیزی بیش از این می‌بیند که به‌صورت زشت-زیبا، کارآمد-بی‌فایده، خانه، کارخانه، لذت‌بخش، بیگانه-آشنا و به‌طور کلی واجد معنی درک

1. Amdur & Epstein-Plouchtch

می‌شوند» (Relph, 1976, p. 47). او در این کتاب به هویت مکانی اشاره می‌کند که تحت تأثیر حس مکان است و از سوی دیگر، نگرش پدیدارشناسی او بسیار کل‌نگر است. ویژگی‌های کالبدی عینی‌ترین وجه تقسیم‌بندی اوست، در صورتی که ویژگی‌های دیگری چون زشتی، زیبایی و کارآمدی بسیار ذهنی‌اند. در شناخت عمیق از مکان، رلف بر هویت انسانی در/ با مکان تأکید دارد. منظور وی از هویت مکان «تطابق ماندگار و یگانگی‌ای است که کمک می‌کند هر مکان از سایر مکان‌ها متمایز شود». در خلق مکان‌های با معنا، نقش حافظه طراح از محیط‌های واجد معنا را نیز باید در نظر گرفت. دونینگ با توجه به این مطلب بیان می‌کند: «اگرچه هر تصویر خاصی از مکان منحصر به فرد است، الگوهای به‌وجودآورنده قلمروها نیز برگرفته از این تصاویر ذهنی است: مکان مقدس، مکان محلی، مکان اجدادی، مکان مشترک، مکان تنهایی، مکان صمیمی، مکان گروهی، مکان‌هایی که در امتداد افق امتداد می‌یابند و مکان‌هایی که محصوریت و حفاظت ایجاد می‌کنند. قلمروها نمادهایی از کیفیت‌های زندگی‌اند: ارتباط، رفتار، مشارکت، هویت، شکوه، زیبایی، تطهیر، ترس، صمیمیت، رشد، گسترش‌پذیری، مشارکت و زیان» (Downing, 2003, p. 216).

عوامل شکل‌دهنده هویت به مکان

الف) نما: برای درک و سپس توصیف نقش مکان در زیست جهان می‌توان موقعیتی را در نظر آورد که در آن، محیط اهمیت بیش از اندازه برای فرد می‌یابد و آن لحظه ورود به یک شهر است. نخستین لحظه، لحظه ورود است. ورود و رسیدن به یک شهر فقط زمانی معنی می‌یابد که آن شهر پیش‌تر هویتی به‌دست آورده باشد؛ هویتی که بازگوکننده ویژگی‌های ساکنان نیز هست (ژید، ۱۳۶۷، ص ۲۰). از این رو می‌توان بیان کرد که هویت مکان در نگاه اول در لحظه رویارویی با آن شناخته می‌شود و بدین‌سان می‌توان گفت که در این لحظه مکان جدید کشف می‌شود. درست به این علت که به مکان برای رویارویی نیاز داریم، باید این مکان سرشار از تنوع و چندگانگی باشد. در این رویارویی، شناخت زمانی رخ می‌دهد که شخص پیش‌تر با آن مکان آشنایی داشته باشد (تابان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۸۵).

ب) نظم فضایی و ادراکی: هر مکانی به حکم ماهیت خود در فضا متحقق است و چون چنین بوده و هست به نظم فضایی نیازمند است که خود حاصل نظم ادراکی است. اتمسفر هر مکانی با یک شکل یکپارچه و انسجام فضایی تناظر برقرار می‌کند و تک‌تک عناصر این مکان به یاری این کلیت متناظر توصیف و شناخته می‌شوند (شولتز، ۱۳۸۸، ص ۴۳). وجود نظم فضایی نوید توحید است. تمامی پدیده‌های طبیعی و همچنین امرهای واقع اجتماعی مجموعه‌ای پویا از عناصری هستند که در این مجموعه‌های در حرکت هم‌ساز می‌شوند و به یک «هویت» می‌رسند. بدین‌سان که عناصر ترکیب‌پذیر، با حفظ هویت ویژه خود، در ترکیب با یکدیگر نیز یک کل واحد ملموس را شکل می‌دهند (نگین تاجی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۲).

ج) رخداد ذهنی: رسیدن به مکان که پس از رویارویی رخ می‌دهد و شناخت مکان که پس از کشف نظم فضایی آن رخ می‌دهد، به ماندن و تعمق و فهم رویداد مکان می‌انجامد. همچنین، رویداد از فهم بیننده حاصل می‌شود و مکان دیدار می‌تواند به‌سادگی محلی برای ژرف‌اندیشی و تأمل برای فهم رویداد مکان باشد که در این حالت دوری و فاصله‌ای میان دیدارکنندگان به‌وجود می‌آید (تابان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۸۶).

د) خاطره: شرط لازم برای کاربرد یک مکان به معنای واقعی کلمه «خاطره» است. برای شناخت عناصر و اشیای بنیادین باید شناختی از آن‌ها داشته باشیم و این ممکن نمی‌شود، مگر این‌که خاطره‌ای از آن‌ها وجود داشته باشد؛ عناصری که نشانه‌ها و عوامل شکلی مکان و درعین حال شاخص‌های آن به‌وجود می‌آورند. کیفیت‌های بصری و هنری و ملاحظات زیبایی‌شناسانه از عوامل تجزیه‌ناپذیر مکان است. کلیتی که این کیفیت‌ها می‌سازند بازگوکننده چیستی مکان است. گاه محیط طبیعی و مصنوع چنان در قالب موجودیتی وحدت‌یافته درهم می‌آمیزند که همچون تصویری یگانه به خاطر سپرده می‌شوند (Downing, 2003, p.216).

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ ماهیت پژوهش از گونه تحقیقات کیفی با رویکرد فلسفی و روش پژوهی با استفاده از راهکار ترکیبی است. بنابراین، نتایج آن خالص و منطقی پژوهش استدلال استقرایی است. بهره‌مندی از رویکرد توصیفی - تحلیلی در پژوهش از آن رو دارای اهمیت است که موجب تمامیت ادراک متن می‌شود. در این مقاله پژوهشگر به تفسیر معانی موجود در عناصر کالبدی و معماری می‌پردازد و از آنجاکه پژوهش به حوزه ادراک مربوط است، ترجیح داده شد از استخراج ناخودآگاه استفاده شود.

در بررسی میدانی فرایند نگرش به اصول مکانمندی و ادراکات مسجد تاریخانه دامغان به واسطه عناصر کالبدی، از مخاطبان این مسجد سؤالاتی در قالب مصاحبه پرسیده شد. مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل کیفی سنجیده شد و داده‌های مستخرج با داده‌های به‌دست‌آمده از مبانی نظری تحقیق قیاس شد و سرانجام نتایج به‌صورت تحلیل‌های کیفی بیان شد.

معرفی و بررسی نمونه موردی

در این پژوهش، بر طبق ادراکات مخاطبان، تفاسیر و تعاریف صاحب‌نظران از نگرش به مکان، برای بازیابی اصول این نگرش به مکانمندی مسجدهای تاریخی پرداخته شده است. بدین منظور، مسجد تاریخانه دامغان به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده است.

مسجد تاریخانه دامغان

مسجد تاریخانه، در جنوب شرقی دامغان، یکی از مساجد نمونه و بسیار زیبای قرون اولیه اسلام به‌شمار می‌رود. شیوه معماری مسجد برگرفته از معماری عهد ساسانی است. تاریخانه نامی ترکیبی از واژه ترکی تاری به معنای خدا و واژه فارسی خانه است. این بنا مقدم بر دوره سلجوقیان و نقشه آن، نقشه مساجد صدر اسلام است. طبق تحقیقات اداره کل باستان‌شناسی، قبل از تسلط اعراب بر ایران، مسجد تاریخانه آتشکده بود و بعدها به مسجد تبدیل شد. ساختمان بنای مجدد آن مربوط به قرن دوم هجری است و اسلوب ساختمان آن به سبک دوره ساسانیان است. پوپ تاریخ ساخت این بنا را بین سال‌های ۱۳۰ تا ۱۷۰ هجری دانسته و محمد کریم پیرنیا تاریخ ساخت آن را حدود ۱۵۰ هجری می‌داند. ساختمان مسجد شامل یک صحن یا حیاط مرکزی است که اطراف آن را رواق‌های سرپوشیده احاطه کرده است. شبستان مسجد روی هجده ستون مدور (سه ردیف شش‌تایی) استوار است. این ستون‌ها یک‌متر و نیم قطر دارند و از نظر ویژگی‌های معماری مشابه ستون‌ها کاخ‌های ساسانی هستند. طاق‌های مسجد تاریخانه از آجر است و به طاق‌های دوره قبل از اسلام، یعنی عهد ساسانی، شباهت بسیار دارد. در طی قرون، تاریخانه دامغان بارها مرمت و بازسازی شده است. مناره آجری زیبایی در عهد سلجوقی به این مجموعه اضافه شد. مناره کنونی ۲۵ متر ارتفاع دارد و بدنه آن با آجرکاری تزئین شده است. طبق کتیبه کوفی مسجد، مناره به همت بختیار بن محمد در قرن پنجم هجری احداث و به مجموعه زیبایی تاریخانه الحاق شد. در این مسجد ستون‌هایی مدور قرار دارد که با آجرهایی به طول ۳۵ و به عرض ۷/۳۴ سانتی‌متر ساخته شده و به نام چهل‌ستون معروف است. تعداد ستون‌ها ۲۶ عدد است که ۱۸ ستون آن در یک طرف و ۵ ستون در سمت دیگر و ۳ ستون در مقابل قرار گرفته است. محیط هر ستون در حدود ۵ متر است و ارتفاعش از سطح زمین تا محلی که طاق‌ها بر آن متکی است ۲/۸۴ متر است. طاق‌های این ساختمان به مرور زمان فرو ریخته است که از محل وجوه جمع‌آوری شده از مردم شهر، با خشت خام بر طاق‌های مزبور سقف زده‌اند. در سمت مغرب مسجد، بین هر دهانه و طاق، ی دهانه و طاق بزرگ‌تری به طول ۱۴/۱۲ متر و عرض ۵/۰۳ متر وجود دارد که آثار محراب و منبر مسجد در این دهانه دیده می‌شود. عرض هر یک از شش دهانه یا ایوان که در طرفین دهانه میانی واقع شده‌اند ۶/۳۶ متر است. صحن مسجد تقریباً مربع‌شکل و به ابعاد ۲۶ در ۲۷ متر است.



شکل ۱: پلان و تصویر داخلی از مسجد تاریخانه دامغان (caoi.ir)

نگرش به مکانمندی مسجد تاریخانه

تجربه زائران و صاحب‌نظران از طریق «نگرش مکان» بیان می‌شود. از این رو، ادراک معماری و بازیابی آن بستری برای تشکیل برهم‌کنش و ادراک راحتی انسان از محیطی است که در آن قرار می‌گیرد. مکان بدون انسان و بدون ادراک و فهم انسانی جز محیطی مصنوع و اشغال‌شده چیز دیگری نیست. بنابراین، جست‌وجو و تحلیل پژوهشگر در فرایند نگرش به اصول مکانمندی و ادراکات مسجد تاریخانه دامغان به واسطه عناصر کالبدی، از مخاطبان این مسجد در قالب مصاحبه گرفته شده است. از این رو ادراک و فهم مکانیت مسجد تاریخانه دامغان از ادراکات حسی زائران این مسجد است که برای پژوهشگر بیان کرده‌اند.

ارزش‌های تاریخی مسجد تاریخانه دامغان

ارزش‌های تاریخی هر بنا مشتکل از اصالت بنا، قدمت، منحصر به فرد بودن، رویداد مردم‌شناختی و زیبایی‌شناسی است. این ارزش‌ها در مسجد تاریخانه دامغان به شرح جدول ۱ تبیین شده‌اند.

جدول ۱: تبیین ارزش‌های تاریخی مسجد تاریخانه دامغان

ردیف	ارزش‌های تاریخی	توضیحات
۱	اصالت بنا	اصالت مسجد برگرفته از ماهیت این بنا است که در کالبد بنا به‌ویژه از طریق مصالح نمود یافته است.
۲	قدمت	قدمت مسجد مربوط به دوره ساسانی است و امروزه، به‌عنوان سند تاریخی - مذهبی - هویتی و فرهنگی، ثبت جهانی شده است.
۳	منحصربه‌فرد بودن	مسجد تاریخانه دامغان بر اساس ویژگی‌های مکانی و زمانی و زیست‌محیطی مربوط به خود شکل گرفته و در طول زمان نیز متناسب با همین ویژگی‌ها تغییراتی کرده است.
۴	رویداد مردم‌شناختی	رویداد مردم‌شناختی در این بنا با توجه به نوع کاربری و بازدیدهای مستمر از بنا جریان دارد و به‌صورت عینی یا از طریق بازخوانی آثار به‌جامانده در بنا و فضاهای وابسته به آن قابل استخراج است.
۵	زیبایی‌شناسی	در مسجد تاریخانه دامغان، عناصر تزئینی که شامل نقوش گچبری است، همراه با فرم متنوع و گنبدی شکل و تزیینات بالای ورودی‌ها و طاق‌ها موجب جلوه‌های هنری و به‌طور کلی جلوه‌های ادراکی شده است.

بحث

از آنجاکه نگرش مکان، به‌واسطه انسان، از دو بخش ذهنی - درونی و فیزیکی - بیرونی تشکیل شده است، در این پژوهش نگرش به مکان به‌واسطه ادراک فیزیکی انسان با توجه به بدن متحرک، بدن حسی، بدن شخصی و بدن اجتماعی انجام گرفته است. فرایند رخداد اصول نگرش

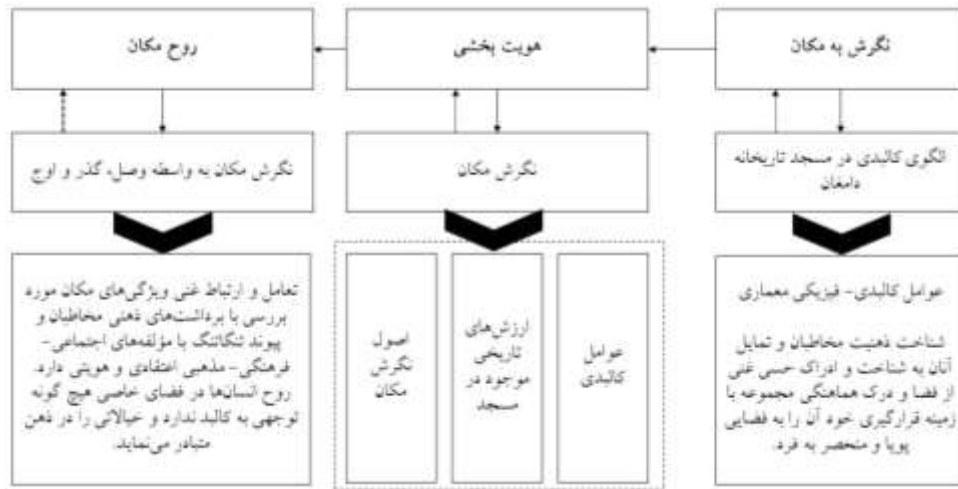
به مکان در مسجد تاریخانه دامغان و چگونگی به وقوع پیوستن آن نخست تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل معنوی، تاریخی و اجتماعی است. از این رو، نگرش به مکان که فرایندی مرتبط با مکانمندی است همیشه در حال دگرگونی و تغییر از طریق کالبد معمارانه در مسجد تاریخانه دامغان است. کالبد بنا در جهت نگرش به مکانمندی مسجد تاریخانه دامغان نقش بارزی دارد، از این رو ناظر معتقد است که مکانیت مسجد تاریخانه دامغان، به واسطه حضور مؤلفه‌های معماری، معنوی شده است. از سوی دیگر، ادراکات مادی این مسجد، از طریق خصوصیات زمینه طرح، مابین درون انسان و ضمیر ناخودآگاه او ارتباط برقرار کرده است، به گونه‌ای که انسان ویژگی‌های ذاتی در مکانیت مسجد تاریخانه دامغان را به علت بودن عناصر کالبدی ادراک می‌کند. از این رو با بهره‌مندی از ادراکات درونی و ذهنی از جمله عقاید، ارزش‌های فرهنگی، هویتی و معنوی و حواس پنج‌گانه به ادراک نگرش به مکان پرداخته خواهد شد. ادراکات ذهنی در محیط بیرونی مسجد تاریخانه دامغان موجب بهبود تعاملات میان مکان و مخاطب مسجد می‌شود که پیرو آن، ادراک نگرش مکان بر اساس حرکت فیزیکی زائر در محیط بیرونی مسجد انجام می‌گیرد. هیچ‌کدام از عناصر معماری و کالبدی به کاررفته در این مسجد بر یکدیگر برتری ندارند و تمامیت آن‌ها در کنار هم موجب خلق نگرش مکانیت این مسجد شده است. در این مسجد اصول نگرش به مکان در نخستین گام از طریق سیمای بنا که توسط زائران ادراک می‌شود به وجود می‌آید. چنانچه سیمای بنایی نامناسب، نامعقول، بی‌ارتباط با محیط، نامطبوع، نامنم و... باشد، چگونه می‌توان انتظار داشت که تصویر ذهنی مناسبی را در مخاطبان ایجاد نماید. شناخت و مکانیت بنای مسجد تاریخانه دامغان عموماً مرتبط با لحظه‌هایی است که مخاطب یا با بنا مواجه می‌شود یا در آن حضور می‌یابد.

مخاطب، در بدو ورود به مسجد تاریخانه دامغان، ابتدا با ورودی و تناسب آن روبه‌رو می‌شود و خود را در حالتی فروتانه و خاضعانه می‌بیند؛ سپس با وارد شدن به محیط صحن و قرارگرفتن در میان فضاهای این مسجد که در پیرامون حیاط واقع شده‌اند، به آرامش روحی و جسمی دست می‌یابد؛ گویی تمامی خستگی خود را از تن به در می‌کند و در انتظار سیر به عالم سلوک باقی می‌ماند؛ پس از دریافت حسی از محیط و فضاهای بیرونی این مسجد به تماشای عناصر کالبدی از جمله طاق‌ها، رواق‌ها، شبستان‌ها، مصالح و رنگ می‌پردازد و آن‌ها را با ذهنیات قبلی‌اش از بنا تحلیل می‌کند. نوع پوشش طاق‌ها و فرم رواق‌های این مسجد، به علت برخورداری از فرم و حجمی خاص، در ذهن او باقی می‌ماند. مسجد تاریخانه دارای سیمایی ساده و هم‌ساز با بستر و محیط پیرامون است و بیانگر سادگی و بی‌آلایشی است و آنچه از نظر مکانیت به این بنا اهمیت داده است، برانگیختن احساسات مخاطبان به دنبال مشاهده کالبد بنا و بهره‌مندی از مناره آجری با تزیینات خاص است. در لحظه مشاهده بنا توسط مخاطب برای نخستین بار، در ذهن او مکان نوینی کشف می‌شود؛ زیرا این مسجد سرشار از تنوع و چندگانگی است. از این رو شناخت زمانی اتفاق می‌افتد که شخص قبلاً با این مکان آشنایی داشته باشد. نظم در این مسجد از طریق عناصر ادراک‌شده (ریتم پیوسته و متقارن، حرکت و جهت به یک سمت)، شباهت میان عناصر کالبدی، و تمایل به گروهی دیدن عناصری که با هم شکل خوبی را ایجاد می‌کنند (توازن، یکنواختی، ساده‌گرایی و... در رواق‌ها و شبستان‌ها) به وجود آمده است و مخاطب از این طریق می‌تواند تجانس بنا را به وضوح مشاهده کند. شایان ذکر است نظم موجود در این بنا موجب تقویت سازمان ادراکی و رشد و تعالی شده است که پیرو آن هم‌پیوندی میان عناصر کالبدی را فراهم آورده است. مخاطب هنگام رویارویی با این بنا به مشاهده حد و مرز بنا و قلمرو فضایی آن که انسان در آن حضور می‌یابد می‌پردازد. در معماری این بنا به قلمروهای میانی و واسط توجه بسیاری شده است. ضمناً این بنا ماهیتی درون‌گرا دارد و توانسته است از طریق فرم، مصالح، ریتم و حرکت، تعادل و تقارن در بنا و تناسب خود تأویلی فردی از زمینه اجتماعی - فرهنگی و تاریخی خود را به نمایش گذارد. باید خاطر نشان کرد که این بنا تجلی‌گاه سنن فرهنگی - تاریخی و مذهبی یک جامعه و دوران بوده است. از این رو می‌توان اذعان نمود که در مقوله هویت‌بخشی به افراد یک جامعه، مسجد از عناصری است که در گذشته به بهترین نحو بین افراد ارتباط برقرار می‌کرد و باعث می‌شد آن‌ها به اشتراکات همدیگر در ابعاد مختلف فرهنگی - مذهبی پی ببرند. ضمناً مسجد تاریخانه دامغان به واسطه عناصر کالبدی و تکرار شونده و همچنین نوع مصالح دارای وحدت است و به همین علت همچون تصویری یگانه به خاطر سپرده می‌شود. گفتنی است این بنا به علت داشتن المانی نظیر تک‌مناره

هویت‌پذیری و پیرو آن خاطره‌انگیزی مناسبی دارد. کالبد مسجد به نحوی ساخته و پرداخته شده است که حواس پنج‌گانه زائران را درگیر خود می‌سازد. حس بصری در مسجد تاریخانه دامغان، با توجه به عناصر کالبدی موجود در فضا، پویا است و همواره در ذات پویای خود به دنبال اکتشاف است و هر عنصر و جزئی از این مسجد و حتی هریک از فضاها چشمان زائران را برای درک مفهوم نهفته در خود جذب می‌کند. همچنین، در این مسجد تناسب کالبدی محیطی انسانی و متواضع ایجاد کرده است. در این محیط، انسان با حضور و قدم‌زدن در فضا به درک کالبدی و عناصر مادی این مسجد می‌پردازد، زیرا انسان جهان را با ساختمان و وجود کالبدی‌اش درک می‌کند؛ از این رو جهان تجربی حول کالبد سازمان‌دهی و تعریف می‌شود و معنا می‌یابد. در واقع جهان تجربی انسان‌ها واجد دو کانون هم‌زمان کالبد فضای اطراف و ذهنیات انسان است. بنابراین در مسجد تاریخانه دامغان به اتکای ادراک و اصول نگرش مکان می‌توان اذعان کرد که حضور زائر در فضای مسجد، همراه با وزیدن بادی مطلوب و به مشام رسیدن بوی خاک، در هماهنگی با ادراکات حسی از فضای صحن مسجد، عالمی خیال‌انگیز و توصیف‌ناپذیر را ایجاد کرده است که در جهت بهبود ادراک آن فرم و تناسبات و مصالح در هماهنگی کامل با یکدیگر موجب سیر به عالم عرفان می‌شوند و برای زائر محیطی عرفانی را تداعی می‌کند. سپس هنگام گذر از صحن، که خالی‌بودنش از گیاهان پیوند میان معرفت و عبادت را با فهم کیهانی بهبود می‌بخشد، به داخل طاق‌ها و سپس شبستان این مسجد، ادراکات حسی به‌واسطه مؤلفه‌های کالبدی افزایش می‌یابد (شکل ۲).



شکل ۲: صحن مسجد تاریخانه دامغان



نمودار ۱: بررسی اصول نگرش به مکان در مسجد تاریخانه دامغان

نتیجه گیری

مکانمندی و حفظ و بازیابی اصول نگرش به مکان در مساجد ایران یکی از مهم ترین مؤلفه های کیفیت بخشی به فضاهای شهری و معماری هر مرز و بوم است که موجب ادراک یکپارچه فضا و محیط و هویتمندی آن می شود. مکانمندی، یکی از عوامل تبیین کننده پیوستگی بنا و محیط، کیفیتی است که از طریق مؤلفه های کالبدی، فضایی و ادراکات حسی و نمادین شکل می گیرد. از این رو می توان ادعان کرد که شناخت مکان در لحظه حضور در آن شکل می گیرد و ساختار کالبدی هر مکانی موجب شناخت آن می شود؛ زیرا اساس نظریه نگرش به مکان و مکانمندی با درک ویژگی های انسانی، کالبدی و فرهنگی - اجتماعی حاصل می شود.

اصول نگرش به مکان و مکانمندی هر بنایی وابسته به چهار خصوصیت پیکره و سیما، نظم، هویت و خاطره است. مسجد تاریخانه دامغان، با توجه به نوع محیط و مؤلفه های کالبدی و معماری اش، به نحوی ساخته و پرداخته شده است که کلیه حس های ادراکی زائران را به خود معطوف می سازد. از آنجاکه نگرش مکان از فضایی معماری داخلی و خارجی مسجد تاریخانه دامغان اصولاً یک رویداد ادراکی، مرتبط با قدم زدن در محیط است، شناخت های مختلفی از مکان و فضاهای این مسجد را به زائر القا می کند. از این رو در راستای تبیین اصول نگرش به مکان و ادراک آن می توان بیان نمود که اصل هویتمندی از طریق عناصر کالبدی در این مسجد همچون هندسه، تناسبات، نور و تزیینات همراه با اصل پیکره و سیما به واسطه عناصر کالبدی (مصالح، ترکیبات رنگی و تناسبات) که موجب برانگیختن ادراکات مخاطبان این فضا شده اند، از مهم ترین اصول نگرش به مکان و مکانمندی مسجد تاریخانه دامغان هستند که می توان با بازیابی این دو مهم مکانمندی این مسجد را بهبود بخشید. این امر به این علت است که هویتمندی این مسجد بر القا و نمود مفهوم نگرش مکان به واسطه کاربری، قدمت بنا، مصالح بوم آورد به کاررفته و عنصر شاخص (همچون مناره) به خوبی به نمایش گذاشته شده است و مسجد تاریخانه دامغان توانسته است بنایی استعاری با عناصر سنتی از جمله پوشش طاق آهنگ و طاق ضربی و مصالح بوم آورد خشتی باشد و بدین طریق موجب برانگیختن خاطرات گذشته، احساس هویت مکانی و تجربه عمیق در مخاطب شود.

منابع

- باشلار، گاستن (۱۳۹۲). بوطیقای فضا. محمد شیربچه و مریم کمالی (مترجمان). چاپ دوم.
 تابان، محسن، پورجعفر، محمدرضا و پورمند، حسنعلی (۱۳۹۵). هویت مکان. رویکردی پدیدارشناسانه. هویت شهر، ۶(۱۰). ۷۹-۹۰.

- ژید، آندره (۱۳۶۷). مایده‌های زمینی. پرویز داریوش و جلال آل احمد مترجمان. تهران: اساطیر.
- سقاوت‌دوست، نوشین و البرزی، فریبا. (۱۳۹۸). بازتاب نقش نشانه‌شناسی در فرایند گذر از فضا به مکان در مجموعه تاریخی سعد السلطنه قزوین. مطالعات شهری، ۲۸(۳۲)، ۴۷-۶۴.
- سلیمی، مینا، شریف‌زاده، محمدرضا و بنی‌اردلان، اسماعیل (۱۳۹۹). پدیدارشناسی مکان‌های مقدس با تکیه بر معماری ایرانی اسلامی (نمونه موردی: مسجد تاریخی شیخ لطف‌الله اصفهان). عرفان اسلامی، ۶۳(۱۶)، ۲۵۱-۲۶۷.
- شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۸). معماری، معنا و مکان. ویدا نوروز برازجانی (مترجم) تهران: نشر جان جهان.
- صالحی کاخکی، احمد، عزیزپور، شادابه، رحیمی آریایی، افروز و بانک، فاطمه (۱۳۹۳). تحلیل ساختار فضایی-کالبدی مسجد جامع اردستان با تفکیک لایه‌های تاریخی. مرمت و معماری ایران، ۸(۴)، ۳۳-۴۶.
- علی‌الحسابی، مهران، چربگو، نصیبه و رضازاده، راضیه (۱۳۹۶). ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری تجربیات زیسته افراد). باغ نظر، ۱۷(۵۲)، ۱۷-۲۶.
- گلستانی، سعید، حجت، عیسی و سعدوندی، مهدی (۱۳۹۶). جستاری در مفهوم پیوستگی فضا و روند تحولات آن در مساجد ایران. هنرهای زیبا، ۲۹(۴)، ۲۹-۴۴.
- نگین تاجی، صمد، انصاری، مجتبی و پورمند، حسنعلی (۱۳۹۶). تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرایند طراحی معماری با رویکرد پدیدارشناسی. هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، ۲۲(۴)، ۷۱-۸۰.
- Amdur, L., & Epstein-Pliouchtch, M. (2016). Architects' Places, Users' Places: Place Meanings at the New Central Bus Station, Tel Aviv. *Journal of Urban Design*, 14(2), 147-161.
- Cheng, A. S., & Daniels, S. E. (2016). Examining the interaction between geographic scale and ways of knowing in ecosystem management: a case study of placebased collaborative planning. *Forest Science*, 49(6), 841-854.
- Downing, F. (2003). Transcending memory: remembrance and the design of place. *Design Studies*, 24(3), 213-235.
- Relph, E. (1976). *Place and placement*. London: pion limited.
- Stedman, R. C. (2002). Towards a social psychology of place: predicting behavior from place-based cognitions, attitude and identity. *Environment and psychology*, 34(5), 561-581.
- Tuan, Y. F. (2010). *Space and place: The perspective of Experience*. Minnea Polis: University of Minnesota press.

Explaining the Principles of Attitude to Place in the Ancient Historical Monuments of Damghan

A Study of the Tarikhaneh Mosque of Damghan

Ali Mashhadi¹

Abstract

Architectural perception of the location of historic mosques as a platform for the organization of interaction and perception of human comfort can eliminate the feeling of loneliness, sadness, and grief of the pilgrim and consequently reveals the historical, identity, and cultural values of mosques. This study aims to explain the principles of attitude to place in the Tarikhaneh mosque of Damghan based on physical elements. The hypothesis to achieve this goal is that there is a direct relationship between the principles of attitude and the location of the Tarikhaneh mosque of Damghan through physical elements. Therefore, the present study, using a qualitative research method, combined solution and data collection method in the form of library and field studies, concluded that in the Tarikhaneh mosque of Damghan. Principles of attitude to place through physical elements are the main architectural principles that have occurred in this mosque, and the location of this mosque has added to the concept of place attitude. Therefore, to manifest the concept of the principles of attitude to place and its perception, it can be said that the physical elements, geometry, proportions, light, and decoration are the central architecture of this mosque. In addition, the identity of this mosque on the induction and expression of the concept of "place attitude" due to the use and antiquity of the building has been used with eco-friendly materials, and the index element of the minaret is well represented. The Tarikhaneh mosque of Damghan has been a symbolic building with traditional features, including the cover of the song arch and the percussion arch and eco-friendly brick materials, and thus cause and evoke memories of the past, a sense of spatial identity, and deep experience in the audience.

Keywords: Place, Principles of Attitude to Place, Historical Monuments, Tarikhaneh Mosque of Damghan.

1. Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, University of Science and Culture, Tehran, Iran